

جایگاه عدالت ترمیمی در جامعه‌شناسی جنایی جرائم امنیتی-سیاسی ایران

مصطفی عزیزی ارشد^۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱/۲۰

اکبر وروایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲

محمد جواد جعفری^۳مسعود قاسمی^۴

چکیده

نظر به سیاست جنایی افتراقی سختگیرانه امنیت مدار در جرایم امنیتی - سیاسی، از یک طرف و لزوم توجه به رویکرد شهروند محور در پرتو مبانی اخلاقی و انسانی از طرف دیگر ظاهراً چنان است که رویکرد عدالت ترمیمی، نمی تواند برنامه ای جهت کاهش رویکرد عدالت کیفری صرف در برخورد با مرتکبان جرایم امنیتی - سیاسی داشته باشد، اما با اندکی توجه هم در بعد سیاست و جامعه شناسی جنایی و هم در عمل با توجه به برنامه های عدالت ترمیمی می توان به سمت سیاست و رویکرد شهروند محور با عنایت به مبانی اخلاقی و انسانی در این مسیر حرکت نمود و تا حد قابل توجهی از معایب و مضرات سیاست کیفری صرف کاست. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی مسئله محور می باشد و از لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات، اسنادی بوده و اطلاعات جمع آوری شده رابه روش تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. جرائم علیه امنیت و حاکمیت سیاسی جرایمی هستند که متوجه خود حکومت بوده و معمولاً آسیب اصلی ناشی از ارتکاب آن ها، امنیت جامعه را تهدید می کند. برخورد حقوق کیفری سنتی با این جرائم برخوردی سرکوب گرانه و طردکننده بوده و بزهکار چنین جرایمی موجودی خطرناک و دشمن جامعه تلقی می گردد. نتایج حاصل از این بررسی نشان می دهد، علیرغم عدم توجه قانونگذاران کشورهای مختلف به رویکرد عدالت ترمیمی در سیاست جنایی خود در جرایم امنیتی و سیاسی، بدلیل فوائد فراوان رویکرد عدالت ترمیمی و وجود زمینه ها و ظرفیت های فقهی و قانونی عدالت ترمیمی بخصوص در قوانین ایران از جنبه الزامات اخلاقی از جمله نهاد های توبه، عفو و قاعده درء، توجه به رویکرد عدالت ترمیمی در جرایم علیه امنیت مورد عنایت قرار گرفته و با اصلاحات لازم در مقررات، عدالت ترمیمی را می توان در جرایم امنیتی- سیاسی نیز کاربردی و تقویت نمود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، جامعه‌شناسی جنایی، جرایم علیه امنیت، عدالت ترمیمی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

Faribamarandi97@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسؤل). dr.akbarvarvaei@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۱. مقدمه

برای مدتی طولانی، «عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی» به عنوان تنها سازوکار برخورد با پدیده مجرمانه محسوب می شد. تا اینکه به تدریج «عدالت کیفری مبتنی بر اصلاح و بازپروری بزهکاران» نیز ظهور کرده و آثاری از خود بر جای گذاشت. با این حال، به مرور زمان مشخص شد که هر یک از دو الگوی بالا ایرادات و معایب خود را دارند، به نحوی که نتوانسته اند به اهداف خود دست پیدا کنند. بدین منظور و در جهت رهایی از نارسایی های این دو رویکرد نوینی ظهور کرد که مشهور به «عدالت ترمیمی» می باشد. عدالت ترمیمی الگوی جدیدی در سیاست جنایی است که بر احیای حقوق بزه دیده و حل و فصل مسائل ناشی از وقوع بزه و ترمیم خسارتها به ویژه خسارتهای وارده بر بزه دیده و نیز احیای بزهکار با مشارکت آزادانه و فعال بزه دیده و بزهکار و جامعه محلی، از طریق مذاکره و گفتگو و بادر نظر گرفتن کرامت انسان ها، در قالب سازوکارهایی مانند میانجی گری و نشست های گروهی و خانوادگی و مدل حلقه ها و رسیدن به مصالحه و توافق اجماعی تأکید می نماید (زهر، ۱۳۸۳: ۱۹۷). عدالت ترمیمی به عنوان یک رویکرد نوین در عدالت کیفری در دهه ۱۹۷۰ میلادی ظهور کرد. اولین کسانی که از این اصطلاح استفاده کردند، «آلبرت اگلاش» و «آر. بارنت» بودند. اگلاش که از او تحت عنوان واضع اصطلاح عدالت ترمیمی یاد می شود، در سال ۱۹۷۷ در مقاله ای تحت عنوان «فراتر از استرداد: استرداد خلّاق» بر ضرورت توجه به عدالت ترمیمی تأکید کرد (موریس و ماکسول، ۱۳۸۳: ۵۸-۶۰). محققین و جرم شناسان از عدالت ترمیمی تعاریف متعددی را ارائه نموده اند. با این وجود، تاکنون تعریف جامع و مانعی از این مفهوم ارائه نشده و هیچ اتفاق نظری در خصوص تعریف آن وجود ندارد. هوارد زهر با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را این گونه تعریف می کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند - تا آنجا که امکان پذیر است - تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه ای که امکان پذیر است، اقدام نمایند. تونی مارشال عدالت ترمیمی را به این صورت تعریف می کند: « فرایندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند گرد هم می آیند تا بطور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته، راه حلی بیابند (شیری، ۱۳۸۵: ۲۴۵ - ۲۱۳).

همگونی و سازگاری آموزه های عدالت ترمیمی و قابلیت انعطاف و احترام آن به ارزشها و مفاهیم اخلاقی و انسانی و دریافت های بومی مذهبی، فرهنگی، اجتماعی از عدالت در امور کیفری، زمینه پذیرش آن را در قلمروهای بین المللی، منطقه ای و ملی بیش از پیش فراهم کرده است (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۸). رویکرد عدالت ترمیمی در جرایم علیه اشخاص و اموال مورد توجه بوده اما متأسفانه در جرایم علیه امنیت، مورد غفلت قرار گرفته است. در این نوشتار تلاش می شود که همانند جرایم علیه اشخاص و اموال، در جرایم علیه امنیت نیز، با روشهای حل و فصل اختلافات به شیوه های غیر رسمی و بومی و توجه به موضوعاتی مثل توبه، عفو، گذشت،

جبران خسارت، اعلام ندامت که جلوه های مورد توجه عدالت ترمیمی است، مورد توجه قرار گیرد. بخصوص در مورد بزهکاران اتفاقی که در برخی از جرایم علیه امنیت از جمله در اغتشاشات با توجه به التهاب ها و تحریک فضاهای مجازی، رسانه ای و ... مرتکبین تحت تأثیر فضا و جو، مرتکب جرم، بخصوص از نوع تخریب، تحریک، توهین و... می شوند که اعمال سیاست های عدالت ترمیمی در این گونه جرایم امکان پذیر می باشد.

۲. **ملاحظات اخلاقی** : در این پژوهش تمام ملاحظه های اخلاقی از قبیل اصول علمی و اخلاقی ، رضایت آگاهانه و امانت داری حفظ شده است .

۳. **مواد و روش ها** : در این مطالعه رویکرد عدالت ترمیمی در طرق تحصیل دلیل جرایم علیه امنیت بر مبنای با تاکید بر الزامات اخلاقی مورد بحث و تحلیل قرار می گیرد.

۴. **یافته ها** : جرائم علیه حاکمیت جرایمی هستند که متوجه خود حکومت بوده و معمولاً آسیب اصلی ناشی از ارتکاب آن ها، امنیت جامعه را تهدید می کند. برخورد حقوق کیفری سستی با این جرائم برخوردی سرکوب گرانه و طردکننده بوده و بزهکار چنین جرایمی موجودی خطرناک و دشمن جامعه تلقی می گردد.

۵. **بحث**

۱-۵. جرایم علیه امنیت

امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله تعریف شده است و در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی به کار می رود. به گونه ای که امنیت فردی حالت فراغت یک فرد از تهدید و حمله، امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از تهدید، امنیت ملی، حالت فراغتی از تهدید یک ملت و امنیت بین المللی حالت فراغت از تهدید قدرت ها در صحنه بین المللی است (آشوری، ۱۳۸۰: ۲۵۰). به نظر می رسد کلمه امنیت در مفهوم جرائم علیه امنیت ناظر به امنیت اجتماعی و ملی است و الا در حقوق کیفری، امنیت فردی موضوع جرائم علیه اشخاص و امنیت بین المللی موضوع جنایات بین المللی است. مطابق یک تعریف عینی و بر پایه ضرر حاصل از جرم، جرم علیه امنیت جرمی است که مستقیماً علیه موجودیت حکومت واقع شود؛ اما اولین استثناء در همین جا اتفاق می افتد. حکومت ها نمی توانند به یک تعریف کاملاً عینی بسنده کنند و گفته می شود حفظ حکومت مستلزم توسعه این تعریف با توسل به یک مفهوم ذهنی است . مطابق این گسترش مفهومی نه تنها جرمی که ضررش مستقیماً متوجه حکومت باشد جرم علیه امنیت است، بلکه هر جرمی که با این هدف یعنی انگیزه آسیب رساندن به موجودیت حکومت واقع شود نیز جرم علیه امنیت محسوب می شود ولو زیان دیده مستقیم آن حکومت نباشد . (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۵۹-۸۱) در تعریف این جرایم می توان بیان داشت: جرایمی که بطور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی در ارتباط اند، جرایمی مثل جاسوسی، شورش یا تحریک مردم به شورش، جمع آوری اطلاعات محرمانه، و ... که بطور مستقیم با حاکمیت ملی و

اساسی و پایه های یک نظام و حکومت برخوردارند و از این رو جرایم علیه امنیت محسوب می‌شوند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۶: ۱۰). جرم علیه امنیت جرمی است که تمامیت سیاسی یا ارضی یا تمامیت حاکمیت را مختل می‌کند (پور بافرانی، ۱۳۹۵: ۲۱).

۲-۵. مفهوم و اهداف عدالت ترمیمی:

عدالت ترمیمی، هر اقدامی که قبل از هر چیز به سمت اعمال عدالت از طریق جبران و ترمیم خسارات و صدمات که با ارتکاب جرم به وجود آمده است، جهت گیری می‌کند، است. بدین ترتیب، تأکید این دو نویسنده بر جرم، از زاویه خسارات و صدماتی است که ایجاد کرده است و نه از جنبه نقض یک هنجار رسمی - تقنینی و عدالت، باید جبران این خسارات و صدمات را با مشارکت اطراف درگیر، در اولویت قرار دهد (زهر، ۱۳۸۳: ۱۹). عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن، هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است. ظهور و پیدایش عدالت ترمیمی نتیجه یکی از تحولات بوجود آمده در نگرش به عدالت کیفری در رویکردی جرم شناسی و بطور کلی تحول در تفکر ناظر به جرم در دودهمه اخیر است. مطابق نظر برخی از نویسندگان عدالت ترمیمی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به عنوان نهضتی اجتماعی جهت اصلاح و بازنگری نظام عدالت کیفری درآمده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۸۰). عدالت ترمیمی درصدد آن است آنچه نقض شده بهبود یابد و مهم ترین هدف در رویکرد ترمیمی توجه به نیازها و دل مشغولی های بزه دیده می باشد (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۵). عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به بزه و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی، روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن - واکنش جزایی - است، پارادایم عدالت ترمیمی، به عنوان یک ساختار فلسفی ناظر بر واکنش جزایی به بزه و انحراف، و نه با تعریفی مضیق به مثابه یک شیوه دادرسی آشتی گرا یا نوعی نشست میانجی گرانه، ادعا می‌کند که یک تئوری جرم شناختی است. شکی نیست که اگرچه آوردگاه آن، دانش جرم شناسی است، ولی به حقوق کیفری بسیاری از کشورها راه یافته است و آن چنان سریع در حال فراگیری است که رفته رفته مرزهای حقوق کیفری کشورها را درمی‌نوردد و به پهنه قلمرو سیاست جنایی وارد می‌شود و آن را نیز با خود به سمت جهانی شدن پیش می‌برد؛ رویکردی که توجه سیاست گذاران جنایی کشورها را به خود جلب کرده است. عدالت ترمیمی دارای چهار هدف عمده، اصالت روابط شخصی، جبران، بازپذیری و مشارکت است. این تفکر که جرم، اصولاً و بدواً تعدی به روابط میان فردی است، نه صرفاً مناسبات میان فرد و حکومت، نقطه آغاز عدالت ترمیمی است. این الگو تأکید می‌کند که بزه نباید به عنوان مفهومی انتزاعی درک و استنباط شود. وصف شخصی بودن در عدالت ترمیمی، در مقابل خصیصه فقدان تشخص و عدم توجه یا دست کم، کم‌رنجی اهتمام به روابط شخصی در عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی است. عدالت ترمیمی در قانون لاحق یکی از آموزه‌های مکتب «عدالت ترمیمی» که به نوعی در راستای پذیرش اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و نیز اصل فردی کردن مجازات است، تعلیق اجرای مجازات می‌باشد (پیمانی، ۱۳۹۲: ۵).

۵-۳. مبانی عدالت ترمیمی در جرایم علیه امنیت

۵-۳-۱. **قضازدایی:** قضازدایی بعنوان یکی از مبانی و راهکارهای نیل به عدالت ترمیمی به شمار می رود. مفهوم قضازدایی، عبارتست از؛ مجموعه اقداماتی که باعث می شود به جای رسیدگی کیفی از روشهای غیر کیفی در حل و فصل دعاوی استفاده کرد. اثر چنین روشی خارج کردن فرد مظنون از فرایند رسیدگی قضایی کیفی به سمت رسیدگی غیرقضایی است.

براساس روش قضازدایی جرایم ارتكابی در غالب موارد به وسیله شاکی یا مأمور تحقیق به پلیس ارجاع نمی شود و بدین ترتیب اختلافات بدون رجوع به دستگاه قضایی حل و فصل می شود. پیش بینی کمیسیونهای انضباطی و مراجع صنفی جهت اخطار یا اخراج کارکنان متخلف یکی از روشهای قضازدایی است. میانجیگری، صلح و سازش، شورای حل اختلاف نیز از دیگر مصادیق این امر می باشد. در جرایم علیه امنیت نیز می توان برای نیل به همین هدف و همچنین جلوگیری از برجسب خوردن بر افراد تا حد ممکن با پیش بینی مقررات و قوانینی، با تنفیذ اختیاراتی به مرجع کشف و تعقیب (بصورت خاص پلیس که دارای مواردی مشابه مثلاً اعمال جرایم رانندگی نیز در این خصوص می باشد) بتواند با ترمیم آسیب های ناشی از جرم از ورود متهم و پرونده به پروسه عدالت کیفری جلوگیری کرده و در حقیقت سیاست قضازدایی را عملاً انجام دهد (نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۷).

۵-۳-۲. حبس زدایی و زندان زدایی

دومین مبانی عدالت ترمیمی اعمال سیاست های حبس زدایی و زندان زدایی است. این اصطلاح نخستین بار توسط راتمن به کار برده شد و سپس اسکال در کتابی تحت همین عنوان آن را چنین تعریف نمود: «اصطلاحی اختصاری در مورد سیاست دولتی تعطیل تیمارستان ها، زندانها و دارالتأدیب ها است. که براساس آن، دیوانگان، مجرمان و منحرفان، آزاد می شوند. در ازای آزادی آنها، این امکان پیش می آید که خود را با جامعه و مقررات و قوانین آن، منطبق و سازگار نمایند با ظهور و بسط دستاوردهای عدالت ترمیمی در دهه های اخیر، ضرورت اتخاذ مجازات های جامعه محور و به موازات آن، کاهش توسل به کیفر حبس (به طور خاص حبس های کوتاه مدت) پیشاپیش نمود یافته است (اردبیلی، ۱۳۹۵، ۱۲۰). معضلات و آسیبهای ناشی از تراکم جمعیت زندانها و تأثیرات زیانبار آن بر سلامت و امنیت جامعه و نیز تذکر جرم شناسان و کیفرشناسان پیرامون پیامدهای ناگوار زندان در زمینه های بهداشتی، جرم شناختی، اجتماعی، اخلاقی باعث شده است که مسئله ضرورت کاهش جمعیت کیفری زندانها، به ویژه در دو دهه اخیر در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی به موضوع اصلی بحث محافل علمی و نیز دست اندرکاران مسائل قضایی و مدیریت زندانها تبدیل شود (بلوک، ۱۳۸۳: ۸۹).

۵-۳-۳. میانجیگری

به اعتقاد بسیاری از طرفداران عدالت ترمیمی، میانجی گری قدیمی ترین و تاثیر گذار ترین روشی است که امروزه نیز در نقاط مختلف دنیا مورد استفاده قرار گرفته و از جهات مختلف از سایر روش ها متمایز است. به

یک معنا، می‌توان میانجی‌گری را سنگ بنا و جانمایه عدالت ترمیمی دانست. در روش میانجی‌گری فضایی ایجاد می‌شود که بزه دیده و بزه کار بتوانند به صورت رو در رو، بدون هر گونه فشار و اعمال نظر، دستگاه های کیفری با یکدیگر گفتگو نمایند، بزه کار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه های خود از ارتکاب آن ، و بزه دیده از خسارات وارده ناشی از بزه دیدگی و نیازها و خواسته های خود سخن گفته و روند سازش و حل و فصل اختلافات را پیگیری می‌نماید، در این بین شخص ثالثی که بی‌زرف و فاقد منافع در ماجرا است « میانجی » جریان گفتگو را هدایت و مدیریت می‌نماید (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۳).

۴-۳-۵. جلوگیری و ممانعت از برچسب زنی به افراد:

دیرزمانی است که صاحب‌نظران و متفکران حوزه‌های مختلف علم و اندیشه، این نکته را واقعیتی انکارناپذیر در حیات فردی و اجتماعی میدانند که برچسب زدن می‌تواند تأثیر جدی و تعیین کننده بر شخصیت فرد داشته باشد (حسینی، متولی زاده نائینی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۳۶). پس از آن که جامعه، فردی را کجرو شناخت و به تعبیر دیگری او را برگزید، صرفاً رفتارهای ناپه‌نجا وی را برننافته، بلکه تمامی کنش های او را با بدبینی نگرینسته و آنها را تا زمانی که خلاف آن ثابت نشود، همچنان ناپه‌نجا تلقی می‌کند. حتی شاید بتوان پا را فراتر از این نهاد، به این معنا که فردی که جامعه وی را کجرو می‌پندارد در اغلب موارد کسی نیست که نوعاً مرتکب بزه می‌شود، بلکه کسی است که نوعاً تحت تعقیب قرار گرفته و دستگیر می‌شود (سلیمی، داوری، ۱۳۹۴: ۹۸). در نتیجه، اصل برائت در مورد چنین افرادی اثر و کاربرد خود را از دست داده و همین امر باعث می‌گردد فردی که به او برچسب زده شده، تشویق به شرکت در فعالیت های مجرمانه و ایفای نقش های مجرمانه شود. جرم شناسی مبتنی بر عدالت ترمیمی، برچسب مجرمانه زدن به تعدادی از شهروندان از طریق نظام عدالت کیفری را موجب اخذ و درونی سازی هویت بزهکار می‌داند و در نتیجه باید تا آنجا که امکانپذیر است از شیوه های دور کننده این دسته از سامانه عدالت کیفری بهره جستبه محض آنکه فرد در معرض اتهام قرار می‌گیرد، هزینه های اجتماعی سنگینی برای فرد ایجاد می‌شود. با توجه به "اختیاری بودن" شرکت در فرآیندهای عدالت ترمیمی و اینکه فرد به جای آنکه مجرم تلقی شود در وهله اول به عنوان "مقصر" شناخته می‌شود، موجب می‌شود فرد "مسئولانه تر" رفتار کند. بنابراین برای ممانعت تبدیل مجرمان به عناصر ضد اجتماعی با اندکی فاصله از برنامه های عدالت کیفری و حرکت به سمت نهاد عدالت ترمیمی ضمن باز اجتماعی کردن مجرمان، جبران خسارت بزه دیده از طریق بزهکار که در دستان عدالت کیفری محبوس نیست و قادر به جبران خسارتها می‌باشد، می‌توان از لجاجت ها، استمرار رفتارهای مجرمانه با انگیزه های لجوجانه و ... بخوبی جلوگیری و ممانعت کرد (نیاز پور، ۱۳۹۴: ۲۳۳-۲۵۹).

۴-۵. جایگاه عدالت ترمیمی و اصل برائت در جرایم علیه امنیت کشور

برائت اصل بر بی گناهی افراد است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. اثبات ارکان جرم بر عهده مدعی العموم یا دادستان است و اوست که باید ارکان جرم را اعم از قانونی، مادی و معنوی و رای هرگونه شبهه و تردید اثبات کند. در قلمرو جرائم علیه امنیت و در ماده ۴۹۹ ق.م.ا. قانونگذار صراحتاً در عنصر

معنوی جرم، اصل را بر مجرمیت متهم قرار داده مگر اینکه وی با اثبات بی اطلاعی از اهداف گروه بی گناهی خود را ثابت نماید. در همین زمینه مطابق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حد افساد از شمول قاعده درء استثناء شده است. این مسئله وقتی بغرنج می شود که در دقت کنیم مقامات عمومی در این جرائم به طور معمول در معرض عدول از این اصل هستند، چه رسد به اینکه قانونگذار نیز رأساً به این قضیه دامن زند و صراحتاً آن را نقض کند. مورد دیگر مرتبط با اصل براءت، در خصوص یکی از آثار آن است. بی گناهی متهم مقتضی آن است که بتواند از خود دفاع نماید و دفاع ممکن است مستلزم استفاده از وکیل مدافع باشد. تبصره ماده ۴۸ ق. آ.د.ک اصلاحی ۱۳۹۳ صراحتاً اشعار می دارد در جرائم علیه امنیت تعیین وکیل از میان وکلای مورد تأیید رییس قوه قضاییه است. نمونه های دیگر استثنا شدن جرایم علیه امنیت در قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ را می توان در مواد ۶۵ (شروع به تعقیب)، تبصره ۲ ماده ۱۰۰ (ارائه اسناد به شاکی)، ۱۵۰ (کنترل تلفن اشخاص)، بند ت ۱۸۰ (جلب بدون احضار)، ۱۹۱ (عدم دسترسی متهم به مدارک پرونده)، بند پ ۲۳۷ (جواز قرار بازداشت موقت)، ۳۲۰ (جلب شاهد)، تبصره ۳۵۱ (دسترسی شاکی به اسناد پرونده)، تبصره ماده ۳۸۰ (ابلاغ حضوری دادنامه) و بند «ب» ماده ۶۱۸ (لزوم قرار بازداشت موقت برای نظامیان در زمان جنگ) جستجو کرد. این موارد برحسب مورد با اصول شکلی دیگری در تعارض است. برای نمونه اصل تساوی سلاح ها در مورد لزوم ارائه اسناد به شاکی، اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل در مورد کنترل تلفنی اشخاص، اصل قابلیت تجدید نظرخواهی در مورد ابلاغ حضوری رأی، با این مقررات می تواند مخدوش شود (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۵۹-۸۱).

۵-۵. جایگاه عدالت ترمیمی در جرایم حدی علیه امنیت

خوشبختانه قانونگذار ایران با پیش بینی نهاد های مثل توبه، عفو، قاعده درء، که از تاسیسه های قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در راستای عدالت ترمیمی حرکت نموده است، با مراجعه به ماده ۱۱۴ ق.م.ا. سال ۹۲ و تبصره ۱ آن، که نهاد توبه را بعنوان یکی از اسباب سقوط مجازات ها وضع نموده، و در واقع از جلوه های مهم و ارکان عدالت ترمیمی به شمار می رود، به خوبی توجه قانونگذار ایران، به مبانی عدالت ترمیمی، از جمله کیفر زدایی، بطور خاص با تاسیس نهاد توبه در جرایم حق الهی - که تقریباً همه ی جرایم حدی علیه امنیت از این صنف به شمار می روند - روشن می شود. بر اساس ماده ۱۱۴ ق.م.ا. که اشعار می دارد: «در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هر گاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رییس قوف قضائیه از مقام رهبری در خواست نماید.» در این ماده چنانچه به صراحت بیان شده مجازاتهای تمام جرایم حدی علیه امنیت از جمله، محاربه، بغی، افساد، و... با دو نهاد توبه و عفو قابل سقوط هستند. که با توجه به زمان توبه متهم و شیوه اثبات جرم، نوع سقوط مجازات نیز متفاوت است، چنانچه جرم با دلایلی غیر از اقرار ثابت شده و توبه هم قبل از اثبات جرم باشد، موجب سقوط مجازات تمامی جرایم حدی علیه امنیت از جمله بغی و افساد فی الارض به

جز محاربه می‌گردد، اما اگر روش اثبات جرم حدی علیه امنیت حتی محاربه با اقرار متهم، باشد و مرتکب جرم حدی - هر چند محارب باشد-با توبه، حتی بعد از اثبات جرم، از موجبات عفو خاص توسط مقام معظم رهبری تعیین شده و لذا جرم محاربه نیز در صورت اقرار محارب و توبه، از اسباب عفو به شمار می‌رود. علاوه بر مفاد متن ماده فوق در خصوص سقوط مجازات جرایم حدی از جمله محاربه، تبصره ۱ همین ماده در رابطه با نقش توبه در سقوط مجازات محارب اشعار می‌دارد: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.» بنابراین بر اساس ماده ۱۱۴ ق.م.ا و تبصره ۱ آن مجازاتهای همه جرایم حدی علیه امنیت از قبیل؛ محاربه، بغی، افساد فی الارض، راهزنان، قاچاقچیان و سارقانی که دست به سلاح ببرند، با نهاد های توبه و عفو - با توجه به شیوه اثباتی جرم و زمان توبه - قابل سقوط بوده و بیانگر قابلیت اعمال عدالت ترمیمی در این صنف از جرایم علیه امنیت می‌باشیم. لذا چنانچه در فوق اشاره شده قانونگذار ایران به پیش بینی دو نهاد توبه و عفو، که از جلوه های عدالت ترمیمی به شمار می‌روند، ضمن توجه خاص و ویژه به حقوق شهروندی، کرامت انسانی و اخلاقی، باز بودن راه بازگشت و اصلاح، باز پروری و باز اجتماعی نمودن افراد، در راستای سیاست های حبس زدایی و کیفر زدایی حرکت نموده که این موارد همه بعنوان مبانی عدالت ترمیمی به شمار می‌روند. فارغ از موضوع توبه و عفو که در ماده ۱۱۴ ق.م.ا مورد بررسی قرار گرفت، قاعده دراء بعنوان یکی از قواعد متنوع از اصل برائت و اصل عدم، که بعنوان قاعده ای در راستای عدالت ترمیمی مورد توجه شرع مقدس اسلام و قانونگذار ایران بوده در ماده ۱۲۰ ق.م.ا بعنوان مصداقی دیگر از عدالت ترمیمی است که می‌توان با حصول شرایطی، آنرا حتی در جرایم علیه امنیت محاربه، افساد فی الارض، بغی و موارد مذکور در فوق اعمال نمود و موجب عدم ثبوت جرایم مذکور شد. بر همین اساس است که ماده ۱۲۰ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «هر گاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه و تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.» با مذاقه در این ماده که بصورت مطلق شامل همه جرایم اعم از امنیتی و غیر امنیتی می‌گردد، استفاده می‌شود که در صورت بروز تردید و شبهه در وقوع جرم، شرایط مرتکب، مسئولیت کیفری، جرم اساساً ثابت نمی‌گردد، طرح این موضوع و قاعده اساساً در راستای جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی بوده که در راستای سیاست های عدالت ترمیمی به شمار می‌روند. در ماده ۱۲۱ ق.م.ا هم که قانونگذار جرایم محاربه و افساد فی الارض را از مفاد قاعده دراء استثناء نموده ناظر به صرف شبهه و تردید است، اما بر اساس مفهوم مخالف ماده مذکور، حتی در جرایم محاربه و افساد فی الارض هم در صورت ارائه دلیل به وجود شبهه یا تردید، حسب مورد جرم یا شرایط آن ثابت نمی‌شود. به بیان دیگر چنانچه در جرایم محاربه و افساد فی الارض برای وقوع جرم یا شرایط مسئولیت کیفری شبهه یا تردیدی حاصل شود به شرط ارائه دلیل برای اثبات شبهه یا تردید، جرم محاربه و افساد فی الارض ثابت نخواهد شد. بنابراین با ملاحظه موارد فوق، در خصوص جرایم حدی علیه امنیت محاربه، افساد و بغی، با توجه مواد ۱۱۴ و ۱۲۰ ق.م.ا به ترتیب با توبه و عفو و قاعده دراء بعنوان مصادیقی از عدالت ترمیمی در قوانین موضوعه به سمت اصول عدالت ترمیمی و فاصله گرفتن از عدالت کیفری تلقی شده و به این نتیجه رهنمون می‌شویم که

در جرایم علیه امنیت حدی می توان با نهادهایی مثل توبه، عفو و قاعده دراء سیاست های عدالت ترمیمی را اعمال نمود. همین طور ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز توبه متهم و عفو بعنوان موارد سقوط مجازات و صدور قرار موقوفی تعقیب بیان شده و قابل استناد در راستای سیاست عدالت ترمیمی می باشد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۴۳).

۵-۶. جایگاه عدالت ترمیمی در جرایم تعزیری علیه امنیت:

جرایم تعزیری علیه امنیت در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ و برخی از مواد قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ توسط قانونگذار با هدف و مبنای حفظ نظم و امنیت کشور جرم انگاری شده است. در این جرایم نیز قانونگذار با پیش بینی نهادهایی مثل توبه و عفو در راستای سیاستهای عدالت ترمیمی، قضا زدایی، کیفر زدایی حرکت نموده است که به نمونه هایی از آن در ذیل اشاره می شود: ماده ۱۱۵ ق. م. ا. سال ۱۳۹۲ تأثیر توبه را بطور مطلق و عام نسبت به جرایم تعزیری - اعم از امنیتی و غیر آن با توجه به درجه جرم به دو بخش منقسم نموده است (ورویی، عزیزی ارشد، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۳).

۱) چنانچه توبه مرتکب در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ باشد. توبه منجر به سقوط مجازات می شود. ۲) در سایر جرایم تعزیری - درجات ۱ تا ۵ - توبه از موارد تخفیف مجازات شمرده می شود. تبصره ماده ۵۱۲ ق. م. ا. تعزیرات سال ۷۵ نیز توبه را در برخی جرائم تعزیری مثل موارد مندرج در مواد ۵۰۸ - همکاری با دول خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران، ماده ۵۰۹ ارتکاب جرایم علیه امنیت در زمان جنگ و ماده ۵۱۲ اقدام تحریک مردم به قصد بر هم زدن امنیت کشور، از موجبات سقوط مجازات می داند. اما در خصوص شمول قاعده دراء نسبت به جرائم تعزیری از جمله جرایم تعزیری علیه امنیت باید بیان نمود که قاعده مذکور شامل تعزیرات و جرایم تعزیری از جمله امنیتی نمی شود. بنابر آنچه در باب عدالت ترمیمی در جرایم تعزیری علیه امنیت در قوانین ایران بیان شد نتیجه حاصل می شود که همانند جرایم حدی علیه امنیت، دو تاسیس و نهاد توبه و عفو پیش بینی شده در موارد مذکور در فوق، از جمله مواردیست که می تواند در راستای اجرای عدالت ترمیمی بوده و فارغ از رویکرد صرف کیفری مانع از مجازات مرتکب جرم امنیتی شده و با تلاش در ساقط کردن مجازاتها در راستای سیاستهای عدالت ترمیمی وضع و قانونگذاری شده است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۸۰).

۶. نتیجه گیری

آنچه از این نوشتار بدست می آید این است که: اجرای سیاستهای عدالت ترمیمی در جرایم علیه امنیت، با توجه به وجود زمینه ها و نهاد ها مشخصی مثل توبه، عفو، قواعد دراء، قاعده جب و همچنین سیاست جنایی کشور مبنی بر قضا زدایی، کیفر زدایی و... قابل اعمال می باشد. از مهمترین مزایای اجرای سیاست های عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری می توان به کاهش آمارهای پرونده های امنیتی، کاهش بر چسب زنی به افراد، ممانعت از ورود مرتکبان تصادفی به پروسه عدالت کیفری که ممکن است در این مسیر نه تنها اصلاح نشوند بلکه تحت تأثیرات منفی حبس خود و اطرافیان آنها نیز آسیب های جدی و جبران ناپذیری را متحمل شده و در

آینده هزینه‌های بیشتری را برای جامعه برای باز اجتماعی نمودن آنها تحمیل کنند را بر شمرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود؛ با توجه به موارد مذکور و همچنین وجود زمینه‌ها و نهاد‌هایی در فقه جزایی اسلام و قوانین موضوعه کیفری کشور، از عدالت ترمیمی مثل؛ قضا زدایی، حبس زدایی و کیفر زدایی، نهاد توبه، عفو، قاعده درء، قاعده جب، قاضی تحکیم، میانجیگری، صلح و سازش، شورای حل اختلاف بتوان، حداقل در برخی از جرایم امنیتی مثل تخریب، احراق، توهین، و امثالهم، بویژه در شرایط استثنایی مثل آشوب‌های خیابانی و اغتشاشات، سیاست‌های عدالت ترمیمی را در جرایم علیه امنیت کشور همانند سایر جرایم اجرا و عملی نمود.

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). *دانشنامه سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*. ج ۳، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- بلوک، برنارد، نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). *کیفر شناسی*. چاپ اول، تهران: نشر مجد.
- پور بافرانی، حسن. (۱۳۹۵). *حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.
- پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۹۲). *حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- زهر، هوارد. (۱۳۸۳). *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*. ترجمه حسین غلامی، تهران: نشر مجد.
- سلیمی، علی، داوری، محمود. (۱۳۹۴). *جامعه شناسی کجروی*. تهران: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی، سید محمد، متولی زاده نائینی، نفیسه. (۱۳۹۱). *بررسی نظریه بر چسب زنی با نگاه به منابع اسلامی*، دوره ۴۲، شماره ۴.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). *بزه دیده در فرآیند کیفری*. تهران: نشر خط سوم.
- غلامی، حسین. (۱۳۹۳). *عدالت ترمیمی*. چاپ پنجم، تهران: نشر سمت.
- وروایی، اکبر، عزیزی ارشد، مصطفی. (۱۳۹۴). *توبه در فقه جزایی اسلام و حقوق کیفری ایران*. تهران: نشر راه نوین.
- شیرینی، عباس. (۱۳۸۵). *پارادایم های عدالت کیفری، عدالت سزا دهنده و عدالت ترمیمی*. مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۷۴.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۱). *قواعد فقه، بخش جزایی*. جلد ۴، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- موریس، ماکسول. (۱۳۸۳). *عدالت ترمیمی الگوی نوین تفکر در امور کیفری*. ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش در حقوق و سیاست، شماره ۹.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۶). *حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. چاپ سی و پنجم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۰). *دانشنامه جرم شناسی*. چاپ دوم، تهران: نشر گنج دانش.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۴). *حقوقی سازی یافته های جرم شناسی در کتاب اول قانون مجازات اسلامی*. دوره ۱۸، شماره ۱، شماره ۷۲.

-یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۹۵). تقابل امنیت فردی و ملی در جرایم علیه امنیت. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۴، سال چهارم.

-Roch, D.(2003). Accountability in Restorative justice. Oxford university press, Oxford.

-Zeher, H. (1990). Changing Leses, A new focus of crim and justice. Herald Press, scottdale.